



انجام کارهای عجیب دلیل حقانیت نیست/ تشخیص معجزه از سحر مشکل است

حجت الاسلام عابدی با اشاره به کارهای عجیب عرفان نوظهور سایبابا، انجام کارهای خارق العاده را دلیل بر حقانیت ندانست...

حجت الاسلام عابدی با اشاره به کارهای عجیب عرفان نوظهور سایبابا، انجام کارهای خارق العاده را دلیل بر حقانیت ندانست و گفت: ابوعلی سینا در نمط دهم اشارات تحت عنوان «اسرار آیات»، به علت این کارهای عجیب و غریب می پردازد و می گوید: اگر کسی از غیب خبر بدهد یا مریضی را شفا دهد علت این چیست؟ اولاً، همه اینها با تمرین قابل به دست آوردن است. به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین احمدعابدی از اساتید خارج فقه حوزه علمیه و رئیس دانشکده علوم و معارف قرآن در ادامه نقد و بررسی عرفانهای نوظهور به موضوع «سایبابا» پرداخته که متن آن از طریق «ویکی فقه» در دسترس علاقمندان قرار گرفته است:

یکی دیگر از عرفانهای نوظهور، عرفانی است که الان معروف است به «سای بابا»؛ سایبابا یک آدمی است که اصالتاً شیرازی است یعنی آباء و اجدادش شیرازی هستند، از شیراز به بمبئی رفتند و از بمبئی هم به حیدر آباد (جنوب هند) رفتند و در جنوب هند این آقای سایبابا حدود تقریباً شاید 70 سال پیش متولد شده است. سایبابا ادعای خدایی می کند، ادعای الوهیت می کند و عده ای متأسفانه پیروانش هستند. تقریباً یکبار در سال در میان پیروانش ظاهر می شود و مراسمی دارند و سخنرانی می کنند و عبادت و سجده اش می کنند و از این مسائل.

گاهی می گویند مرام و آیین شان عرفان است و دین نیست بلکه نوعی مسلک عرفانی است و گاهی می گویند عرفان هم نیست، یک مسلک اخلاقی است. گاهی هم می گویند دین جدیدی است، چطور دین سیک یک دینی است که تلفیق از سه دین اسلام، مسیحیت و هندوئیسم است، آقای نانک آمد یک چیزهایی را از اسلام گرفت و یک چیزهایی هم از مسیحیت و یک چیزهایی هم از هندو و اسمش را گذاشت یک دین جدید، آنطور که سیک یک دین تلفیق از سه دین است و به ادیان دیگر هم احترام می گذارند. البته با اینکه می گوید احترام می گذارند، این سیک ها باید همیشه چاقو داشته باشند و معتقدند که تا آخرین مسلمان کشته نشده است چاقو را نباید زمین گذاشت. در عین حال هم می گویند به اسلام احترام می گذاریم ولی با مسلمانان هم اینقدر مخالفند. سایبابا نیز همین طور است یعنی در سایبابا به اسلام احترام گذاشته می شود، در عین حال اسلام دین توحید است، به هندو هم احترام می گذارند با اینکه هندو دین شرک است.

این مسئله کثرت گرایی یا پلورالیزم از همه بیشتر در سایبابا است، ادیان و مذاهبی که کاملاً متناقض است با یکدیگر، هر دو را قبول دارند و تأیید هم می کنند. جالب است که مثلاً خود سایبابا با اینکه ادعای خدایی دارد، می گوید خدای ما را نیز قبول دارند ولی خود این سایبابا یک معبد «ویشنو» ساخته است، ویشنو اسم یکی از بتهای هندوهاست، یعنی کسی که مدعی خدایی است و مدعی این است که اعتقاد به خدا دارند برای ویشنو معبد ساخته است، یک معبد هم به یک نفر از پیروان خودش دستور داده بود بسازند برای ارجونا، که تا معبد تمام نشده بود مرد، ارجونا هم یکی از بتهای هندوهاست.

سایبابا از 13 سالگی ادعای خدایی کرده است، و از 14 سالگی ادعای معجزه و الان هم در هند خیلی معجزات زیادی برایش نقل می کند، و متأسفانه از جاهای مختلف دنیا برای پرستش سایبابا می روند. روزی که سایبابا می آید جلوی پیروان خودش و دستانش را باز می کند از دستانش دود بیاید. این را یک معجزه حساب می کنند، معجزه دیگر سایبابا این است که ادعای علم غیب دارد، معجزه دیگرش این است که می گوید مریض شفا می دهد، معجزه دیگرش این است که می گوید زبان حیوانات را می فهمد و پیروانش نیز این چیزها را نسبت به او قبول دارند. البته دروغ بودن اینها که خیلی پیدا است. کسی بگوید من زبان حیوانات را می فهمم، حالا یک مورچه کاری می کند می گوید آن مورچه گفت بیا عقب یا برو جلو، نه قابل اثبات است و نه قابل نفی.

بله مریض شفا می دهد ولی مریض شفا دادن دلیل بر چیزی نیست، کسی مریض شفا بدهد دلیل بر این است که بر حق است؟ معجزه این است که دلیل بر ادعا آورده شود، این را معجزه می گویند. اما اگر یک کسی بگوید من خدایم یا پیغمبرم و نمی گوید دلیل بر آن این است که مریض شفا می دهم، می گوید من خدا یا پیغمبر هستم مریض هم شفا می دهم این را معجزه نمی گویند. معجزه این است که این عمل دلیل بر گفتار باشد، اگر کسی دو حرف دارد، یعنی سایبابا که می گوید من خدا هستم نه بخاطر اینکه می گوید مریض شفا می دهم، این علتش نیست، می گوید من خدایم خیلی کارها می توانم بکنم، این کار را هم می توانم بکنم، اگر به سایبابا بگویید، دلیل بر خدا بودن چیست نمی گوید مریض شفا می دهم بلکه می گوید دلیل بر خدا بودن این است که به دلت مراجعه کن، ببین خدا هستم یا نیستم.

تشخیص معجزه مشکل است، مگر در طول تاریخ نبوده است که مردم معجزه می دیدند و می گفتند سحر است، بخاطر اینکه سحر شبیه معجزه است، مگر سید مرتضی نمی گفت که مثل قرآن می شود آورد اما اگر به عنوان قرآن بخواهید بیاورید حالا نمی شود، عقیده صرفه همین است. اصلاً سید مرتضی یک کتاب مخصوص همین مسئله نوشته است و آستان قدس هم چاپ کرده است، سید مرتضی می گوید عین قرآن می شود آورد، اما اگر کسی بگوید من به قصد اینکه عین قرآن می خواهم بیاورم،

دیگر نمی شود. و الا بدون این ادعا عین قرآن می شود آورد.

تشخیص معجزه مشکل است، اینکه در طول تاریخ مردم معجزه را می گفتند سحر است، مردم معجزه را می دیدند می گفتند: ان هذا الا قولاً لبشران هذا الا سحرٌ یوثر. نه اینکه ماهیت معجزه با ماهیت اینها فرق می کند، نه، تفاوت در ماهیت نیست، تفاوت در ادعاست. حالا این معجزات را خواهم گفت که علت چیست.

سایبایا فراوان در کلماتش این را دارد که هیچ کس فکر نکند درباره اینکه چرا من خدا هستم، این را فکر نکنید، چون فکر احدی به من نمی رسد، بعد می گوید آیا یک مورچه می تواند درباره یک فیل حرف بزند، شماها مثل مورچه اید و من هم مثل فیل هستم، خیلی دارد اینکه درباره من و ذات من فکر نکنید، اینکه چرا من خدا شدم، فکر نکنید، فقط این را بدانید که الوهیت و خدا شدن منحصر به من نیست و شما نیز می توانید خدا بشوید و از این حرفها درباره خدا خیلی دارد و این جالب است که در ادیان صفاتی که برای خدا می گویند: اسلام می گوید خدا عالم است و قادر است، یهودیت می گوید خدا سخت کیفر است، زرتشتی می گوید خدا مهربان است. سایبایا وقتی صفات خدا را می خواهد بگوید همیشه می گوید علم و مقصودش از علم، علم و قدرت است که ما مسلمانان درباره خدا می گوییم. درباره خدایی اش می گوید کسی دنبال دلیل نباشد و فکر هم نکند که چرا من خدا شدم و فقط بدانید من خدایم و فکر شما به من نمی رسد. این خیلی زیاد در کتابها و حرفها و سخنرانی هایش تکرار شده است.

مراسمشان هم تقریباً در اسفندماه برگزار می شود یعنی در اواخر هر سال مراسمی دارند در اطراف حیدرآباد هند، مردم هم از گوشه و کنار متاسفانه می روند، سایبایا در آن سخنرانی که می کند معمولاً سخنرانی اش اخلاقی است و معمولاً روی این طور چیزها تاکید می کند: روی تقوا، روی صلح، هم نوع دوستی، محبت به خانواده و مسائل اخلاقی بیشترین چیزی است که در سخنرانی هایش تاکید می شود، بحث مراقبه و فکر کردن درباره خدا، نه درباره سایبایا، و عشق به خدا، این خیلی زیاد در کلمات سایبایا است. اینکه من چرا خدا شدم را می گوید فکر نکنید، درباره خدایی هم که خالق جهان است می گوید درباره او خیلی فکر نکنید، محبت خدا هم در دل و ذهنتان باشد و امثال اینها. اما درباره معجزاتش و یا درباره علم غیبش و امثال اینها.

ابوعلی سینا نمط دهم اشارات را درباره همین چیزها قرار داده است و عنوان نمط دهم این است: اسرار آیات. یعنی علت این کارهای عجیب و غریب چیست؟ اگر کسی از غیب خبر بدهد یا مریضی را شفا دهد علت این چیست؟ اولاً، همه اینها با تمرین قابل به دست آوردن است. هرکسی علاقه و ارتباطش را با دنیا کم کند کارهای عجیب و غریب می تواند انجام بدهد. همه این را قبول دارند که وقتی آدم خواب می رود می تواند یک چیزهایی را ببیند یا بشنود که وقتی بیدار است نمی تواند. کی آدم خواب می رود، وقتی توجه به دنیا ندارد، آدمی که حواسش به دنیا باشد خوابش نمی برد و وقتی که حواسش به دنیا نبود، حالا خوابش می برد و وقتی خوابش برد خیلی چیزها را می بیند و می شنود و این قابل انکار نیست، و ربطی به مسلمان و کافر ندارد، همه همینطور هستند، حالا من اگر در بیداری توانستم این کار را بکنم که از این دنیا غافل بشوم آن موقع هم می توانم بگویم در دل شما چه خبر است، می توانم از خیلی چیزها هم خبر بدهم، هیچ وقت در هیچ روایتی نیامده است، خبر از غیب دادن را دلیل بر حقانیت کسی بگیرید. آنکه مثلاً عیسی (ع) می گوید اثباتکم بما تدخرون فی بیوتکم، آن در مقام تحدی با کسانی بود که آنها هم همین را داشتند، یعنی همان مسئله صرفه سید مرتضی می شود.

درباره کارهایی که سایبایا انجام می دهد، (مثلاً) مریض شفا می دهد. قدرت روح و قدرت نفس خیلی بیشتر از این چیزهاست. این را قبلاً عرض کرده بودم که در لبنان کلیسایی است که اتاق پهلوییش پر است از عینک و ویلچر و عصا و اینطور چیزها، و بالای کوه هم هست، یعنی آنقدر زیاد بوده اند که آدم با ویلچر آمده آنجا و خوب شده و شفا گرفته و ویلچر را گذاشته و بدون ویلچر برگشته است، شفا دادن مریض هیچ وقت دلیل بر حقانیت کسی نبوده است. وقتی که روح قوی باشد می تواند بدن خود آدم را شفا بدهد، روح خیلی قویتر باشد می تواند بدن دیگری را شفاعت کند، در این دروایش قادری، اگر ندیدید شاید شنیده اید، دروایش قادری اینطوری هستند، چاقو یا خنجر را می دهند دستتان و می گوید فرو کن در شکم من، شما هرچه چاقو را در شکمشان فشار بدهید شکمش از فولاد هم سفتتر است و به درون شکمش نمی رود، بعد بدهید دست خودش، خودش چاقو را به راحتی فرو می کند داخل شکمش و از کمرش بیرون می کشد، با دستش خونس را پاک می کند و زخمش خوب می شود و ذره ای اثرش نمی ماند، خوب اینها واقعیت است و دروغ که نیست، وجود دارد. چطور این کار را می کند، این قدرت روح است، قدرت نفس است.

بنده الان روحم، به کل بدنم حواسش است، یعنی اگر یک پشه بنشیند روی پایم اذیت می شوم، روی سرم هم بنشیند اذیت می شوم، به خاطر اینکه روح من پخش است در کل بدن و حواسش به کل بدن است، اگر توانستم روحم را متمرکز کنم اینجای دستم، در پایم چاقو فرو کنید دردم نمی آید، روی دستم هم بخواهید چاقو فرو کنید از فولاد سفت تر است، اینجا را چاقو فرو می کنید زخم می شود و بعد دوباره روحم را متمرکز می کنم اینجا، توی یک دقیقه خوب می شود، اینها که واضح است و چیز مشکلی نیست، اینکه سایبایا مریض را شفا بدهد به این خاطر است. البته یک موارد زیادی از معجزاتی که برای سایبایا می گویند دروغ است، خرافه است، یک مواردی هم راست است.

آنکه دلیل می شود بر حقانیت چیزی استدلال است، برهان است، منطق است، این دلیل می شود. اما اینکه کسی شفا داد یا نداد، اینها همیشه در کتابها خواندیم که مثلاً مسیلمه کذاب وقتی به او گفتند رسول خدا (ص) آب دهان انداخت در چاهی و چاه پر شد، آمد در چاهی که آب داشت، آب دهان انداخت و چاه خشک شد، البته او آب دهان انداخت که چاه پر آب بشود ولی چاه آب داشت و او آب دهان انداخت و چاه خشک شد، خود این معجزه است یا نیست؟ همین که آب دهان بیاندازی در چاهی که آب دارد و خشک شود، خود این معجزه است، شما که نمی توانید انکار کنید، ولذا می گوییم اینها هیچ وقت دلیل بر

چیزی نمی شود ولی متاسفانه مردم سراغ این چیزها می روند.